



دکتر جهانگیر فکری ارشاد

(اصفهان)

عبارتی از قابوسنامه در بیتی از گوته

گوته (J. W. Goethe 1749-1832) شاعر و نویسندهٔ توانای آلمانی پس از آشنایی با مملکت، قرآن کریم و آثار شعرای بزرگ مشرق زمین، به ویژه شاعران بلند آوازهٔ پارسی‌گو نظیر حافظ، فردوسی، سعدی، نظامی، مولانا، جامی و دیگران اشعار عاشقانه، عارفانه و پندآمیزی را به قلم سپرد که بعدها در سال ۱۸۱۹ میلادی اقدام به انتشار آنها کرد و به جهت ماهیت مشرق زمینی این اشعار عنوان عربی «الديوان الشرقي للمؤلف الغربي» را بر دیوان خود نهاد. دیوان مورد نظر در دوازده فصل تدوین شده است و شاعر برای هر فصل عنوانی را برگزیده که کاملاً از حال و هوای شرقی برخوردار است: مثنی‌نامه، حافظ‌نامه، عشق‌نامه، تکفیر‌نامه، رنج‌نامه، حکمت‌نامه، تیمور‌نامه، زلیخا‌نامه، ساقی‌نامه، مثل‌نامه، پارسی‌نامه و خلدن‌نامه. در بخش حکمت‌نامه به اشعار بسیار کوتاهی برمی‌خوریم که اغلب از کلمات قصار و ابیات و عبارات پندآمیز شعرا و نویسندگان ایرانی اقتباس شده است. در این بخش از دیوان تک‌بیتی جلب نظر می‌کند که در وهلهٔ اول بیت معروفی از سعدی شیرازی را به ذهن خوانندهٔ ایرانی متبادر می‌سازد. تک بیت آلمانی چنین است:^۱

Wer schweigt, hat weing zu sorgen;

Der Mensch bleibt unter der Zunge verborgen

این تک بیت را آقای شجاع‌الدین شفا در ترجمه‌ای که از دیوان مورد بحث به عمل آورده، بدین صورت به فارسی برگردانده است: «تا مرد خاموش است براو خطری نیست، زیرا سر نوشت او به زبانش بسته است»^۲. مترجم فکر

اصلی این شعر گوته را از شیخ اجل دانسته^۴ و به بیت مشهوری در حکایت سوم از باب اول گلستان اشاره کرده است:

تا مرد سخن نگفته باشد عیب و هنرش نهفته باشد

دکتر محمد خزائی شارح گلستان این بیت را اشاره‌ای به حدیث معروف «تکلموا تعرفوا فان المرء مخبوء تحت لسانه» (جامع‌الصغیر) دانسته و آن را بدین شکل ترجمه کرده است: سخن گویند تا شناخته شوید زیرا ارزش آدمی زیر بانش نهفته است^۵. سودی، یکی دیگر از شارحان گلستان، در تفسیر این بیت، به بیت دیگری در «دیباچه» ارجاع داده است که می‌فرماید: «زبان در دهان ای خردمند چیست»^۶. در تعقیب ردپای این اندیشه به زمانهای بسیار دور و متون باستانی کشیده می‌شویم و سر از «عهد جدید» و «عهد عتیق» درمی‌آوریم. آنجا که برای مثال در انجیل متی می‌خوانیم: لیکن به شما می‌گویم که هر سخن باطل که مردم گویند حساب آن را در روز داوری خواهند داد، زیرا که ازا سخنان خود عادل شمرده خواهی شد و از سخن‌های تو بر تو حکم خواهد شد^۷. و یا آنجا که سلیمان نبی در کتاب جامعه می‌گوید: حساب از کثرت مشقت پیدا می‌شود و آواز احمق از کثرت سخنان... مگذار که دهانت جسد ترا خطاکار سازد^۸. در کتاب امثال سلیمان نبی نیز اشارات بسیاری به این اندیشه است: هر که دهان و زبان خویش را نگاه دارد، جان خود را از تنگی‌ها محافظت می‌نماید^۹. در محل دیگری چنین آمده است: مرد از میوه دهانش نیکوئی را می‌خورد... هر که دهان خود را نگاه دارد، جان خویش را محافظت نماید، اما کسی که لبهای خود را بگشاید هلاک خواهد شد^{۱۰}. و در باب دیگری از همین کتاب می‌خوانیم: صاحب معرفت سخنان خود را باز می‌دارد... مرد احمق نیز چون خاموش باشد او را حکیم می‌شمارند، و هر که لبهای خود را می‌بندد فهمیم است^{۱۱}.

بدون اغراق در تعقیب این اندیشه باز هم می‌توان زمانهای دورتر را درنوردید و فراتر رفت، ولی به نظر نگارنده این سطور باید این سیر را در همین جا متوقف ساخت. تردیدی نیست که گوته از دوران کودکی به‌عنوان یک مسیحی در خانواده خود با متن کتاب مقدس مانوس بوده و در ایام نوجوانی نیز به‌عنوان یکی از دروس موظف دبیرستانی، با عمق مضامین آن کتاب آشنا شده است. اگرچه انگیزه اصلی تصنیف قطعات «دیوان» آشنایی گوته با آثار درخشان ادبا و حکمای مشرق زمین بوده است ولی پاره‌ای از مضامینی که در «دیوان» به رشته نظم کشیده شده، از زمانهای قبل در خاطر این شاعر بزرگ نقش بسته بوده است.

ناگفته نباید گذاشت که غرض از یادآوری مطالب کتاب مقدس، به‌هیچوجه انکار تأثیر متون منظوم و منثور فارسی در سرودن تک بیت مورد نظر آلمانی نیست، بلکه منظور فقط نشان دادن وسعت و قدمت این اندیشه در آثار ادبا

و حکماست. تأثیر بزرگان ادب فارسی نظیر سعدی شیرازی بر روی قطعات «دیوان» گوته به قدری فراوان و مشهود است که کس را یازای چنین انکاری نیست^{۱۲}، و خود گوته بارها به این امر اعتراف کرده است. اما برداشتی که از تک بیت آلمانی شده، علی رغم ترجمه نسبتاً قابل قبول آن، تا حدی عجولانه به نظر می رسد. ترجمه تک بیت آلمانی به فارسی چنین است:

آن که خاموشی گزیند، نگرانی کمتری دارد؛

انسان زیر سخن خویش نهان است.

یکی از راههای آشنایی گوته با حکمت شرق مطالعه و مذاقه در سفرنامه‌هایی بوده است که سیاحان اروپایی تا آن زمان به قلم سپرده بودند. گوته در توضیحاتی که شخصاً بر «دیوان» خود نوشته، به بررسی سفرنامه‌های مارکوپولو، مونتئویلا، پیترو دلاواله، اولتاریوس، تاورنیه و شاردن پرداخته و پس از ذکر ماهیت سفرهایی که در قرن هجده و نوزده میلادی به مشرق زمین صورت گرفته، از یک شخصیت بزرگ روحانی به نام «دیتس»، سخن رانده است. وی در ابتدای مطالب خود می نویسد: «با ابراز تشکر باید اعتراف کنم، که عالیجناب دیتس بر روی مطالعات من تأثیر عمیقی داشته است. هنگامی که سعی داشتم خویشتن را با ادبیات مشرق زمین مانوس سازم، قابوس نامه به دستم رسید. به قدری این کتاب را پراهمیت و جالب یافتم که وقت فراوانی را صرف آن کردم و به بسیاری از دوستان نیز مطالعه آن را توصیه نمودم»^{۱۳}. گوته حتی در پایان این مبحث ضمن ارجاع خوانندگان به ترجمه دیتس عناوین فصول چهل و چهارگانه قابوس نامه را ضبط کرده و شرح گوناگونی در مورد نویسنده آن به قلم سپرده است^{۱۴}.

با توجه به آنچه گذشت می توان دامنه نفوذ ادبیات فارسی را در دیوان گوته دریافت و با کمی تعمق به «وسعت» این دامنه پی برد. سرانجام همین «وسعت» است که کار تحقیق را به وسواس و احتیاط می کشاند و محقق را بر آن می دارد تا برای مصراع دوم بیت مورد نظر آلمانی زیربنای بهتری بیابد و از شیخ اجل به امیر عنصرالمعالی کیکاووس بن اسکندر روی آورد. با انسدادی شکیبایی و تورق در ترجمه آلمانی قابوس نامه توسط دیتس، به عبارت زیر می رسیم^{۱۵}:

Der Mensch ist unter Seiner Zunge verborgen

و این دقیقاً همان واژه‌های آلمانی و همان مفهومی است که در مصراع دوم بیت مورد بحث به چشم می خورد. متن قابوس نامه چنین است: سخن که به مردم نمایی بر روی نیکوترین نمای تا مقبول بود و مردمان درجه تو بشناسند که بزرگان و خردمندان را به سخن دانند نه سخن را به مردم که مردم نهان است زیر سخن خویش چنان که به نازی گویند: المرء مخبوء تحت لسانه^{۱۶}. با عنایت به آنچه درباره ترجمه آلمانی قابوس نامه ذکر شد و با توجه به علاقه خاص گوته

به این کتاب، جای تردید باقی نمی‌ماند که محرك اصلی شاعر آلمانی درسروند این تک بیت دقیقاً همین عبارت عنصرالمعالی کیکاووس بن اسکندر بوده است - اگرچه بسیاری از شعرا و ادبای بزرگ ایرانی این اندیشه را در آثار خود گنجانده‌اند و گوته نیز احتمالاً برخی از آنها را قبلاً مطالعه کرده بوده است. پایان این مختصر یادآور می‌شود که تأثیر قابوس‌نامه در اشعار دیوان گوته منحصر به همین تک بیت نمی‌شود و در بسیاری موارد دیگر نیز شاعر نامدار آلمانی مستقیماً تحت تأثیر این متن ارزشمند قرار گرفته است.

حواشی

- ۱- آشنایی گوته با مملقات و قرآن کریم از طریق مطالعه ترجمه انگلیسی و آلمانی این آثار صورت گرفت.
- 2- J. W. Goethe, West - oestlicher Diwan, ed. M. Rychner, Zuerich 1963, S. 65.
- ۳- دیوان شرقی، ترجمه شجاع‌الدین شفا، تهران ۱۳۲۸، ص ۱۴۸.
- ۴- همان‌جا، پانویس ۴.
- ۵- شرح گلستان، دکتر محمد خزائلی، تهران ۱۳۴۴، ص ۲۲۹، پانویس ۵۲.
- ۶- شرح سودی برگلستان سعدی، مترجمان: حیدرخوش طینت، زین‌العابدین چاوشی و علی اکبر کاظمی، تهران ۱۳۴۹، ص ۱۳۷.
- ۷- ترجمه کتاب مقدس به زبان فارسی، انجمن پنخس کتب مقدسه در میان ملل، انگلستان ۱۹۶۳، انجیل متر، باب ۱۲، فقره ۳۶ و ۳۷.
- ۸- کتاب جامعه سلیمان، باب ۵، فقره ۲ و ۳ و ۶.
- ۹- کتاب امثال سلیمان نبی، باب ۲۱، فقره ۲۳.
- ۱۰- همان‌جا، باب ۱۳، فقره ۲ و ۳.
- ۱۱- همان‌جا، باب ۱۷، فقره ۲۷ و ۲۸.
- ۱۲- رجوع کنید به مقاله‌ای از اینجانب تحت عنوان تأثیر سعدی بر گوته، مجله وحید، شماره ۲۲۵، نیمه اول بهمن ۱۳۵۶، ص ۴۶-۴۷.
- ۱۳- رجوع کنید به مآخذی که در پانویس شماره ۲ ذکر شد، ص ۳۴۸.
- ۱۴- همان‌جا، ص ۳۵۶-۳۵۴.
- 15- H. Fr. Diez, Buch des Kabus, Berlin 1811, S. 383.
- ۱۶- قابوس‌نامه، عنصرالمعالی کیکاووس بن اسکندر بن قابوس بن وشمگیر بن زیار، به اهتمام و تصحیح دکتر غلامحسین یوسفی، تهران ۱۳۴۵، ص ۴۴ متن. در نسخه دیگری که اساس چاپ استاد سعید نفیسی بوده عبارت عربی به «امیر المؤمنین علی رضی الله عنه» نسبت داده شده است، تهران ۱۳۴۲، ص ۳۰.